

دیدگاه

نقادانه نگاه کنیم

سایت اصلاح‌طلب جِسمان یادداشتی پیرامون سواد‌رسانه‌ای در موضوع سند همکاری ایران و چین منتشر کرده است. این یادداشت به قلم «علی محمدی» است که با عنوان «فعال فرهنگی و رسانه‌ای و مدرس دانشگاه» معرفی شده است. خلاصه‌ای از این یادداشت را با هم می‌خوانیم: اگر رسانه را بستر حامل پیام بدانیم، در این صورت در مورد موضوع «برنامه همکاری های جامع (۲۵ سال) ایران و چین» هر گونه اظهارنظری در مورد آن برنامه؛ چه از جانب صاحب‌نظران و چه غیرصاحب‌نظران و چه در قالب‌های دیگر، پیام‌رسانه‌ای تلقی شده و محل بحث این یادداشت است.

آنچه در این روزها درباره این برنامه، از انواع رسانه‌های اجتماعی و جمعی دیده و شنیده‌ایم؛ به نوعی «تحلیل» است. «تحلیل یعنی کشف این نکته که چگونه ما واقعیت را به گونه‌ای خلق می‌کنیم که عینی و طبیعی به نظر برسد نه پرده‌برداری از واقعیت عینی». بنابراین تحلیل «برنامه همکاری‌های جامع (۲۵ ساله) ایران و چین» تلاش برای واقع‌نمایی ادعاها در زمینه‌های علت، هدف و اثر آن برنامه است. آنچه در هر تحلیل مورد توجه است؛ هدف، منافع و جغرافیای نظری صاحب تحلیل است، به این معنی که هر کسی براساس مبانی، اصول و چارچوب نظری و روش خاصی، درباره آن برنامه، تحلیل خود ارائه کرده و می‌کند و ما در مقام مخاطبان این تحلیل‌های رنگارنگ، لازم است هر تحلیلی را زیر سایه چتر اهداف و منافع (هدف‌گذاری‌ها و منفعت‌طلبی‌هایی که می‌تواند برای تأمین منافع ملی ایران باشد و یا نباشد) و در جغرافیای نظری که صاحب تحلیل به آن تعلق دارد را بررسی و مورد ارزشیابی قرار دهیم. در فضای رسانه‌های اجتماعی و جمعی، هر رسانه براساس اهداف از پیش تعیین شده خود به موضوع «برنامه همکاری جامع (۲۵ ساله) ایران و چین» می‌پردازد و هر کدام از آنها در این پیردازش باورها، ارزش‌ها و اغراض خود را به صورت پیداو پنهان جاسازی می‌کنند. در این بازنمای رسانه‌ای نیز شاهد تلاش رسانه‌ها برای واقع‌نمایی هستیم، در واقع رسانه‌ها – گاهی چپه‌هایی از رسانه‌ها با ایجاد جریان‌های رسانه‌ای – کوشش می‌کنند تا با استخدام تاکتیک‌ها و تکنیک‌های متنوع تبلیغاتی و اقناعی و تحلیل‌های همسو با اهداف و منافع خود، با دست کاری بر فضای ذهنی مخاطب، او را برای پذیرش پیام خود آماده و در نهایت مخاطب خود را قانع کنند تا از رهگذر اقناع مخاطب، اهداف خود را محقق کنند.

اگر سواد رسانه‌ای را «دانش و مهارت ادراک تفاوت رسانه‌ها و یکدیگر» بدانیم؛ سواد رسانه‌ای در مورد بازتاب «برنامه همکاری‌های جامع (۲۵ ساله) ایران و چین» در رسانه‌های مختلف به ما می‌گوید: به دست کاری بر فضای ذهنی مخاطب، او را برای پذیرش پیام خود آماده و در صورتی که بسیاری از شناخت‌ها، دآوری‌ها و ارزش‌گذاری محصول مصرف رسانه‌ای است، مورد توجه تولیدکنندگان پیام است.

رسانه‌ها در لایه‌های پیداو و پنهان پیام خود؛ باورها، ارزش‌ها و غرض‌های ویژه خود را قرار می‌دهند. بنابراین در بررسی تحلیل‌ها و نظرها‌ی متفاوت رسانه‌ای در مورد این برنامه، لازم است تا اهداف و منافع هر رسانه را بشناسیم؛ چراکه این شناخت در فهم پیام و اغراض تولیدکننده محتوای رسانه‌ای کمک و یزای به ما می‌کند، در این صورت علت تفاوت دیدگاه‌های رسانه‌ها، اهداف و منافع خاص آن رسانه‌ها می‌شود، علاوه بر آن لازم است تا با رویتگرها و روش‌های تبلیغاتی و اقناع‌سازی رسانه‌ای آشنا شویم تا فریب خورده‌بازنمایی‌های رسانه‌ای نباشیم. یک فیلسوف می‌گوید که امر واقعی، معقول است!

سواد رسانه‌ای به ما می‌آموزد در برابر هر پیام رسانه‌ای در موضوعا «برنامه همکاری های جامع (۲۵ ساله) ایران و چین» موضعی «فعال» نداشته باشیم؛ به این صورت که با نگاه‌نقدانه و با پرسش با آن برخورد کنیم و از نگاه تک بعدی فاصله گرفته و تلاش کنیم تا اهداف و منافع رسانه‌ها را بشناسیم، در این صورت به فهم «حقیقت» نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم. در زمانه‌ای که بسیاری از شناخت‌ها، دآوری‌ها و ارزش‌گذاری محصول مصرف رسانه‌ای است، فراگیری سواد رسانه‌ای یک ضرورت حیاتی به شمار می‌رود.

مکر رسانه



 استفاده از عکس خبری برای کرونا گرفت ولیعهد بریتانیا و عکس پریشان را ابتلای کرونا می‌مستولان ایرانی و گزارش علیه مقامات ایرانی

BBC: نظر درباره فلیپ، بی‌نظر!

نمونه‌های زیادی در BBC فارسی می‌توان پیدا کرد که این رسانه فارغ از ارزش‌های خبری یک موضوع فقط به دلیل عرض ارات به ساعت بلکه اقدام به انتشار اخبار بی‌ارزش کرده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، کاخ باکینگهام روز جمعه از مرگ «شاهزاده فلیپ» هسمر ۹۹ساله ملکه انگلیس خبر داد. خبری که برای BBC بیش از یک خبر معمولی محسوب می‌شود. حتی پیش از اعلام رسمی این خبر دستور پوشش همه‌جانبه این خبر برای همه بخش‌های خبری این بنگاه خبری صادر شد. BBC فارسی که همواره سعی می‌کرد از «به‌عنوان «رسانه ملکه» نام برده نشود، مجبور به پوشش گسترده خبر فوت شاهزاده فلیپ شد و به ساخت کلیپ‌هایی در حمایت از او پرداخت، اما نکته قابل تأمل درباره این رسانه انگلیسی مدعی آزادی بیان، بستن بخش نظرات مربوط به اخبار فوت فلیپ در اینستاگرام است؛ موضوعی که با واکنش مخاطبان روبه‌رو شده است. در آخرین خبر پیش از خبر فوت فلیپ، بخش نظرات بی‌بی‌سی باز است. البته نمونه‌های زیادی از BBC فارسی می‌توان پیدا کرد که این رسانه فارغ از ارزش‌های خبری یک موضوع فقط به دلیل عرض ارات به ساعت ملکه اقدام به انتشار اخبار بی‌ارزش کرده است. در آخرین مورد BBC فارسی خبری منتشر کرد که در آن پرنس ویلیام عنوان کچل جذاب را از آن خود کرده بود!

در نمونه دیگر در حالی‌که انتقادات بسیاری به سیاست‌ها و عملکردهای انگلیس به‌خصوص در موضوع کرونا وجود داشت و تظاهرات هزاران نفری در این کشور انجام می‌شد، BBC فارسی هرگز نه برنامه‌ای انتقادی علیه انگلیس ساخت و نه مسئولان آنها را بی‌کفایت خواند. بر عکس آنها با انتشار اخبار مختلف و امیداف‌رین در حمایت از مسئولان این کشور برآمدند. از سبوی دیگر در حالی‌که انتقادات زیادی به سیاست‌ها و اختیارات ملکه انگلیس وارد است، اما BBC فارسی در طول این سال‌ها کمترین اشار‌ای به آن نکرده است. به‌عنوان مثال در موضوع خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا که ملکه، مجلس این کشور را به نفع جانسون معلق کرد تا بتواند برنامه خروج از اتحادیه اروپا را با انسودگی اجرا کند. در موضوع توهین‌های نژادپرستانه خانواده سلطنتی انگلیس به مگان مارکل (عروس تیره پوست ملکه) هم خبری از مینداری BBC نبود. در حالی‌که اگر مشابه چنین اقدامی توسط یک ایرانی با هر جایگاه حقیقی یا حقوقی در هر کجای کشورمان اتفاق افتاده بود، باید منتظر اماج حملات BBC می‌بودیم. مرور این برخوردهای غیر حرفه‌ای نشان می‌دهد BBC فارسی آزادی بیان و مستقل بودن را تنها به عنوان نقابی بر چهره خود زده و در بزنگاه‌است که این نقاب از چهره‌اش می‌افتد.

گزارش

■ رسالت خبررسانی، حفظ حریم خصوصی یا محافظت از سلامت روانی جامعه؛ هنگام پوشش و انتشار خبر «خودکشی» خصوصاً در مورد افراد مشهوری که محبوبیتی هم میان بخشی از افراد دارند، به کدام یک از این سه گزینه باید توجه کرد؟ رسالت خبررسانی رسانه‌ها تا کجا کشیده می‌شود؟ حفظ حریم خصوصی افراد راجح است یا جریان آزاد اطلاع‌رسانی؟ محدوده این جریان آزاد تا کجاست، تا سر کشی و وسط زندگی خصوصی دیگری هم می‌رسد؟ از سویی، مهم‌تر از هر موضوع دیگری اینجا پای امنیت روانی جامعه در میان است. انتشار غها و تلخی‌ها در حجم بالا، جامعه را دچار افسردگی جمعی می‌کند. علاوه بر آن، بر وبال دادن به اخبار خودکشی می‌تواند به اعمال تقلیدی توسط مخاطب و بالا رفتن آمار خودکشی بینجامد. بنابراین آنچنان که می‌بینیم، موضوع انعکاس اخبار خودکشی چندان ساده نیست.

تحقیقات نشان می‌دهد که موضوع خودکشی و گزارش‌های رسانه‌ای در مورد افسردگی که بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند، در افراد آسیب‌پذیر اثر گذار است. به تصویر کشیدن احساسات خودکشی در رسانه‌ها، می‌تواند به افزایش خودکشی‌های تقلیدی منجر شود. شواهد حاکی از آن است که نحوه گزارش اخبار مرتبط با خودکشی بر میزان خودکشی نقش دارد. اولین راهنمای انعکاس خبر خودکشی در رسانه‌ها توسط سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۹ میلادی و در ایران برای اولین بار توسط دفتر اداره سلامت روان در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، در سال ۱۳۸۶ شمسی تدوین و منتشر گردید.

■ **خودکشی تقلیدی**
نتایج تحقیقی در یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور می‌گوید: «شواهد گسترده‌ای در خصوص تأثیر نحوه گزارش اخبار مرتبط با موارد خودکشی و اقدام به آن در افزایش موارد خودکشی و سرایت این رفتار که در اصطلاح منجر به رفتار خودکشی تقلیدی (Copycat) می‌شود، وجود دارد. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که گزارش‌ها برجسته، گسترده و وسیع بوده و جزئیات صریح و روشنی در مورد زمان اقدام، روش انجام و یا مکان خودکشی ارائه دهند. برخی

سواد رسانه

سواد رسانه ۸۸۶۹۸۴۴۴



مطالعات، استفاده از عناوین نامناسب، عاشقانه‌سازی خودکشی، اشاره به حادثه‌ای که احتمالاً به خودکشی نسبت داده شده و تصاویر نامناسب مانند عکس‌هایی از صحنه خودکشی و تشییع جنازه توسط رسانه‌ها را گزارش کرده‌اند. تحقیقات نشان داده است که به تصویر درآوردن خودکشی احساسی در رسانه‌ها مانند اخبار می‌تواند منجر به افزایش خودکشی تقلیدی به عریبستان سعودی فعالیت می‌کند. ضمن گفت‌وگویی در کلاب هاوس این نظر خود را بیان کرده است. متن این بخش از گفت‌وگوی او را بخوانیم:

فرد ناشناس: تودر جایگاهی قرار داری که اون جایگاه برای منافع ملی ایران خطرناکه ومیلیون‌ها جوان ایرانی یک سلب‌ری رویه‌رو می‌شوید. فرزند شما هم در این محیط‌ها حضور دارد و خوانوادخواه در جریان این رویداد قرار می‌گیرد و از سبویی شهرت و طبعاً

در بخش دیگری از این تحقیق با اشاره به رمان رنج‌های ورتر جوان نوشته یوهان ولفگانگ گوته آمده: «این کتاب چون قهرمانش به دلیل یک رابطه عاشقانه شکست خورده و خودکشی می‌کند، در اوایل انتشار به دلیل توجیه و ترویج مسئله خودکشی مخالفت گسترده‌ای را در پی داشت و در نتیجه فروش آن ممنوع اعلام شد، اما هیاهوی ناشی از این ممنوعیت به فروش بیشتر اثر کمک کرد و طولی نکشید که به چند زبان گوناگون ترجمه شد. این کتاب شهرت فراوانی برای گوته به همراه داشت و آوازه او را به سراسر اروپا رساند. این رمان به‌عنوان مسئول خودکشی‌های تقلیدی در ایتالیا، لاپیز یک و کپنهاگ شناخته شد.»

گوته مشهور شد و افراد بسیاری هم این رمان را تحسین کردند، اما اثری که این رمان پرفروش بر جامعه‌اروپا گذاشت، مثبت نبود و البته این رمان تنها کار هنرمندان نبود که به جامعه نشان داد، می‌تواند در مشکلات به گونه «خودکشی» هم فکر کنند؛ خودکشی کردن یک بازیگر و انعکاس گسترده آن اثر عمیق‌تر ی برای افزایش خودکشی بر جای گذاشت: «بزرگ‌ترین اثر احتمال خودکشی تقلیدی برای ستاره مشهور فیلم، مریلین مونرو بود که هم‌زمان با خودکشی وی در ماه اگوست ۳۰۲۰۱۹۶۲ مورد

خودکشی با ۱۲درصد افزایش رخ داد. به طور کلی، گزارش گسترده رسانه‌ها در رابطه با خودکشی وی، میزان خودکشی ملی را در امریکا ۲۵۱درصد در ماه افزایش داد. شواهد علمی در سراسر جهان نشان می‌دهد که گاهی اوقات، گزارش رسانه‌ها از خودکشی ممکن است با افزایش آمار خودکشی در بین جمعیت همراه باشد. همچنین، تحقیقات نشان داده است که گزارش رسانه‌ای وسیع و گسترده یک روش جدید می‌تواند بروز خودکشی با این روش را افزایش دهد. هر چند پس از مدتی از گسترده‌گی این خبر کاسته می‌شود، ولی اثرات آن در افزایش میزان خودکشی باقی می‌ماند و این نشان‌دهنده پایدار بودن اثر تقلیدی گزارش رسانه‌ها از رفتار خودکشی است.»

■ **باخبار خودکشی چه کنیم؟**

فرض کنیم شما نه مدیر و خبرنگار یک رسانه، بلکه مادر یا پدری هستید که در رسانه‌ها و فضای مجازی و محافل خانوادگی با اخبار و مطالب پیرامون خودکشی یک سلب‌ری رویه‌رو می‌شوید. فرزند شما هم در این محیط‌ها حضور دارد و خوانوادخواه در جریان این رویداد قرار می‌گیرد و از سبویی شهرت و طبعاً

مجری ایران اینترنشنال:

منافع ملی هیچ کشوری برایم اهمیت ندارد!

فرداد فرحزاد، گرچه تلاش می‌کند با ادای روشنفکری، خود را مستقل نشان دهد، اما در هر حال تأمین‌کننده منافع آل سعود است. اینترنشنال هم بابت استقلال خبری به او پول نخواهد داد

در آنجایی نظرات خودم کار کنم، به کیهان خواهیم رفت.

توجه به چند نکته در اینجا آموزنده خواهد بود:

اول آنکه خبر آورنده و گوینده خبر مهم است. ما قرار است آندقری سواد رسانه‌ای بلد باشیم که بتوانیم راست و دروغ و حقه‌های رسانه‌ای را تشخیص دهیم. انگیزه و هدف گوینده در این مسیر تعیین‌کننده است. اطلاع‌رسانی برای اطلاع‌رسانی؟ بدون هیچ هدف دیگری؟ در دنیای رسانه چنین چیزی وجود ندارد و گذشته از آنکه خبرها با تحلیل همراه می‌شود، حتی صرف انتشار اخبار خام هم می‌تواند جهت‌دهنده ذهن مخاطب باشد. فرض کنید

یک رسانه هفته‌ای سه بار خبرهایی خالی از تحلیل و سوگیری پیرامون مکان‌های دینی و زیبای کشور افغانستان پخش کند. آیا اینکه افغانستان کشوری زیباست، آرام‌آرام در ذهن مخاطب جا نمی‌گیرد؟ در همین شکل تصور کنید پخش اخبار صرفاً مرتبط با قتل را در مورد کشوری دیگر؛ یا خبررسانی صرفاً در مورد فساد در کشور دیگر؛ بدون آنکه نکات مثبت آن سرزمین هم بیان شود.

دوم آنکه رسانه‌ها بر مبنای یک هدفی تشکیل می‌شوند و کارکنان آن رسانه حتی اگر نخواهند هم در برآیند و خروجی نهایی کار، شریک در تأمین آن هدف هستند. درستان سعودی محض رضای خدا که ایران اینترنشنال را پشتیبانی نمی‌کند! می‌خواهد در راستای منافع ملی خودش با ایران مقابله کند؛ بنابراین فراد فرحزاد، گرچه تلاش می‌کند با ادای روشنفکری، خود را مستقل نشان دهد، اما در هر حال تأمین‌کننده منافع آل سعود است. اینترنشنال هم بابت استقلال خبری به او پول نخواهد داد.

سوم آنکه آیا مشکل امثال فرحزاد با رسانه‌ای چون کیهان فقط آن است که به امثال فرحزاد آزادی عمل نمی‌دهند؟ پس هر رسانه‌ای خط قرمزهای خودش را دارد و امثال اینترنشنال هم آزاد نیستند، بلکه برای موافقت خط مشی خود فضای همکاری ایجاد می‌کنند.



پشت پرده

مجری شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال می‌گوید که در عرصه خبررسانی، منافع ملی هیچ کشوری برای او مهم نیست و دنبال منافع ملی ایران، عربستان، امریکا و هیچ جای دیگر نیست. فرداد فرحزاد که پیش از این مجری بی‌بی‌سی

فارسی بود و چند سالی است در شبکه سعودی ایران اینترنشنال، وابسته به عریبستان سعودی فعالیت می‌کند، ضمن گفت‌وگویی در کلاب هاوس این نظر خود را بیان کرده است. متن این بخش از گفت‌وگوی او را بخوانیم:

فرد ناشناس: تودر جایگاهی قرار داری که اون جایگاه برای منافع ملی ایران خطرناکه ومیلیون‌ها جوان ایرانی یک سلب‌ری رویاخبار تأمید می‌کنی؛ مجبورم جلوت وایستم بگم کارت خطرناکه.

فرحزاد: اتفاقاً برخلاف خیلی از دوستان دیگه من دنبال منافع ملی ایران، عربستان، امریکا و هیچ جای دیگه‌ای نیستم. من کارم خبررسانیه، اصلاً منافع ملی هیچ کشوری برای من اهمیتی نداره. اگر خبری که میدم به ضرر منافع ملی‌شون باشه، مشکل خود اون کشوره، اگر به نقش‌باشه هم مشکل خود اون کشوره، من دیپلمات نیستم که به فکر منافع ملی جایی باشم.

فرد ناشناس دیگر: خبرنگار سوگیری‌ش رو بنگاه خیریش تعیین می‌کنه. کم‌اینکه فرقی نمیکنه جمهوری اسلامی باشه یا بی‌بی‌سی. اینکه از کجا پول میگیری، معلوم میشه که بالاخره چی می‌نویسی. شما میگی منافع ملی هیچ جایی برام مهم نیست، فقط کارمو می‌خوام بکنم.

خیلی خوب، فردا تشریف ببرید کیهان کارتون رو بکنید. فرحزاد: اگر اجازه بده می‌کنم؛ اگر روزنامه کیهان پول خوب بده، اجازه بده حتماً می‌کنم. با این حال، پس از بالاگرفتن جنجال‌ها و «هژدرو» و «وطن‌فروش» نامیده شدن فرحزاد توسط کاربران مجازی، او در ویدئویی که از خود منتشر کرد، توضیحاتی ارائه داد. توضیحاتی که مدعی قطعیت سخنانش بود، اما همه آنچه‌او در این توضیحاتش به سخنان قبلی‌اش اضافه کرد، این بود که می‌داند گفتن اگر کیهان آزادی عمل بدهد و من بتوانم